

روزهای مقاومت و سازماندهی توده ای در مریوان (محلّه دارسیران)

در حاشیه تحرک سلفی ها به یکی از ساکنین محلّه دارسیران. آیا مریوان شهری اشتهی است یا شهر جدال دو نیرو مردم و ارتجاع؟

نسان نودینیان

این روزها شهر مریوان و محلّه دارسیران توجه مردم در کردستان و میدیای اجتماعی را بخود جلب کرده است. بعضی از سایتهای خبری نوشته اند: «روزهای وحشت در مریوان» اما من ادعا میکنم مریوان و محلّه دارسیران روزهای درخشان و شغف انگیزی را تجربه کردند. وحشت از قمع کشی را با خود سازمان یابی توده ای و با حضور شورانگیز زنان و جوانان جواب دادند. نترسیدند. خانه نشین نشدند. زانو نزدند در عوض محکم و استوار از کرامت و حرمت خود و علیه عربده کشی مشتی لمپن اسلامی اجیر شده، ایستادند.

وقایع محلّه دارسیران از یازده اردیبهشت شروع شد. در ساعات پایانی ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، هشت نفر از سلفی های مریوان در محلّه دارسیران از دو خودروی «پژو» پیاده شده و با سردادن شعار اللهاکبر و در دست داشتن شمشیر، قمع و چاقو، به بهانه کفرگویی تعدادی از جوانان و ساکنان این محلّه به آنها حمله میکنند. آنها پس از درگیری و گلاویز شدن، یکی از این جوانان ساکن در محلّه دارسیران جمال فیضی را به قصد بریدن گردنش، زیر ضرب و شتم و ضربات چاقو قرار میدهند. شاهدان عینی

صفحه ۲

با اعتراض جمعی دستگیرشدگان دارسیران را آزاد کنیم!

مردم شریف و آزاده مریوان! تجارب مبارزاتی شما بارها این را به اثبات رسانیده و نشان داده اید که قادر خواهید بود که عزیزان بازداشت شده را با اعتراضات وسیع و گسترده از زندان آزاد کنید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

مردم محلّه دارسیران و سایر محلات مریوان بار دیگر با ایجاد گروه های مقاومت و با حضور پرشور زنان و جوانان اعلام کرده اند که سازمانیابی و ایجاد گروه های مقاومت در مقابل سلفی ها و حملات نیروهای حکومت اسلامی، کار ساز و موثر است.



شما را فرا می خوانیم برای ایجاد سازماندهی محلات دست بکار شوید و با سازماندهی گروه های مبارزاتی در همه محلات علیه فتنه های سلفی ها و مرتجعین و توطئه های نیروهای حکومت اسلامی آمادگی خود را افزایش دهید.

برادران افکاری باید آزاد شوند حبیب و وحید افکاری تحت فشارند، به حمایت از آنها برخیزیم!

صفحه ۳



خلع ید از اسد بیگی قطعی شد یک موفقیت مهم برای کارگران نیشکر هفت تپه

صفحه ۳



دنیا باید علیه جنایت هولناک اسلامی ها در افغانستان بپاخیزد!

صفحه ۵



نگاه هفته:

پروین معاذی

صفحه ۶

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

مینا بهروزی

صفحه ۸

بیاد فرزاد کمانگر و یارانش

عبدال گپریان

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



میشوند.

مربیان شهر آشتی یا شهر جدال و رو در رویی دو نیرو؟

مردم و جبهه ارتجاع و حکومت اسلامی. نگاهی کوتاه به سابقه مبارزاتی و خود سازمان یابی در مربیان و محله دارسیران! اهمیت اشاره مختصر به تحولات سیاسی - اجتماعی خطاب به دوستانی است که نوشته اند مربیان شهر آشتی در نیم قرن گذشته بوده، است. (بیانیه چهار تشکل مدنی مربیان) نیت خوب و احساس دوستی و علاقه این دوستان و بویژه دوستانی از نسل جوان که به مردم شهر مربیان عشق می ورزند برای ما عزیز است. احساس و علاقه آنها به ساکنین شهر مربیان قابل درک است. تاریخ شش دهه گذشته در مربیان و کردستان به ما یادآوری میکند که

صفحه ۴

سلفی ها در کردستان حاصل دو دوره اما از یک جنس و قیاس هستند.

سلفی های امروز حاصل عروج داعش در یک دهه گذشته هستند. در حوصله این نوشته پرداختن به روند عروج داعش در یک دهه گذشته نیست. سلفی های امروز به داعش و فرمانروایی اسلامی داعش در موصل و کارنامه جنایت و قمع کشی آنها در موصل و رقه، شنگال ... و دشمنی آشکار آنها با زنان در این مناطق وصل هستند. اینجا این را اضافه میکنیم که سلفی های امروز اگر تخته مکبت قرآن و احمد مفتی زاده هستند، اما با روش های بسیار جنایتکارانه و سخت دلانه و با چاقو و قمع کشی و کشتن انسانها به بهانه کفرگویی از مسلک و آیین داعش امروز پیروی میکنند. اینها محصول به قدرت رسیدن رجب طیب اردوغان در ترکیه، و در قدرت ماندن حکومت اسلامی و دخالت های عربستان در منطقه هستند. اینها از وجود جریانات اسلامی در کردستان عراق و از همکاری های احزاب ناسیونالیستی در اقلیم کردستان نیرو میگیرند و باز تکثیر

روزهای مقاومت و ...

از صفحه ۱

کیفرخواست رادیکال و قطعنامه کارگران، زنان و جوانان در شهر درست شده بود. نیروهای امنیتی حکومت اسلامی عملاً نتوانستند مانع برگزاری مراسم پارک شانو در مرکز شهر شوند. به این دلیل در مقابل تحرك خفاشهای کور سلفی های جنایتکار سکوت کردند، عملاً و آگاهانه با تحرك سلفی ها تلاش کردند فضای رعب و ترس حاکم شود.

فتوا دهندگان کی بودند و چه میخواهند؟ و چه میکنند؟

کانال تلگرامی «دفاع از رسول الله» با انتشار یک فراخوان عمومی از تمام ملایان و ماموستایان «اهل حق» خواست که در روز جمعه موضوع خطبه های خود در مساجد کردستان را به «مسئله کافر بودن و حکم کشته شدن شخصی اختصاص دهند که به رسول اکرم (ص) توهین کرده است تا همه بدانند خط قرمز ما رسول الله صلی الله علیه و سلم است.»

یکی از سلفی ها که فایل صوتی خطبه اش عصر جمعه در کانال تلگرامی دفاع از رسول الله بدون ذکر نام و درج محل خطبه منتشر شده است، حکم کفرگویی و برخورد با کفار را اینگونه شرح می دهد: «خواندند پروردگار در آیه ششم سوره احزاب فرموده: "حضرت محمد (ص) از نفس شما نیکتر و همسران وی مادر همه متدینان است." از این نظر، حب حضرت رسول از نفس، پدران و مادران و فرزندان واجب تر

وحشت خفاشهای کور که به آدرس اشتباهی وارد شده بودند افزودند و درس بزرگی از مقاومت و تنفر از سلفی ها و نیروهای حکومت اسلامی که علناً در مقابل قمع کشی سلفی ها سکوت کرده بودند، به آنها دادند.

در ادامه برای درک و اهمیت جواب قاطع مردم مربیان و محله دارسیران به تجارب تاریخی و تجربه شده خود سازمان یابی در بیش از پنج دهه گذشته خواهد پرداخت.

نیروهای حکومت اسلامی! سلفی های جانشین! (نایب)

نیروهای امنیتی و نهادهای حکومت علیرغم آشنایی و اطلاع کافی از وحشیگری سلفی ها در سه روز بعد از قمع کشی آنها، اقدامات لازم برای کنترل و دستگیری سلفی ها را انجام ندادند. در روز اول در تجمع میدان دارابی به تجمع کنندگان وعده دستگیر سلفی ها را دادند. اما هدف مزورانه مزدوران حکومت اسلامی سکوت در مقابل جنایت گردن زدن و میدان دادن به سلفی ها و متفرق کردن تجمع میدان دارابی بود.

پرواضح است، سلفی ها دست به اقدامی زدند که نیروهای حکومت اسلامی توانایی اجرا آنرا با این ظرفیت و با زدن گردن جوانان را ندارند. روز یازده اردیبهشت در مربیان و همچنین در کردستان و در سطح سراسری در ایران باشکوه ترین مراسمهای روز جهانی کارگر برگزار شد. فضای مبارزه و شور انقلابی با

با اعتراض جمعی دستگیرشدگان دارسیران را آزاد کنیم!

مبارزه در دفاع از حقوق انسانی تان در برابر دارودسته های مرتجع اسلامی بود. شما مردم مربیان، شما زنان و جوانان محله دارسیران تاریخ پرافتخاری از مبارزه و ایستادگی در مقابل شاخه اسلام سنی مکتب قرآن و شاخه شیعی جمهوری اسلامی در کارنامه خود دارید. گوشمالی دادن سلفی ها توسط زنان و جوانان مبارز در محله دارسیران تلاش درخشان دیگری بود که به کارنامه مبارزاتی شما افزوده شد. باید با تمام قدرت برای آزادی

حاکمیت ننگین خود در کردستان بارها نشان داده اند که در برابر هر گونه اعتراض و مبارزه ای اقدام به بازداشت، زندان و سرکوب می کنند. در اعتراض اخیر مردم محله دارسیران علیه مزاحمت های عناصر سلفی، ماموران رژیم از این جریان هم مسلک داعش حمایت کردند و مدام تلاش می کنند که این نیروی ضد مردمی را به عنوان ابزاری علیه مردم آزاده بکار گیرند. زنان و جوانان مبارز مربیان! شهادت و جسارت شما در مقابل سلفی ها جلوه دیگری از

روز شنبه ۱۱ اردیبهشت زنان و جوانان محله دارسیران مربیان در جریان ایستادگی و مقاومت بر حق خود در برابر قلدری مرتجعین سلفی آنان را گوشمالی داده و عقب راندند. در همین رابطه ۹ الی ۱۲ نفر از جوانان توسط ماموران حکومت اسلامی دستگیر و بازداشت شده اند. تاکنون اسامی چهار تن از دستگیر شدگان به نامهای، کژوان فیضی، فواد فیضی، شیرکو سهرابی و آکو چاوگی منتشر شده است. کاربدستان و نیروهای سرکوب رژیم اسلامی طی بیش از چهار دهه از

را مطمئن باشید که جریان سلفی و مرتجعین دیگری همچون مکتب قرآن، بساط شان با بزیر کشیده شدن حکومت اسلامی به پایان خواهد رسید. آنچه که امروز فوریت دارد آزادی دستگیرشدگان است. اندوخته و تجارب مبارزاتی شما بارها این را به اثبات رسانیده و نشان داده اید که قادر خواهید بود که عزیزان بازداشت شده را با اعتراضات وسیع و گسترده از زندان آزاد کنید.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰
۶ مه ۲۰۲۱

فوری و بی قید و شرط و بدون وثیقه دستگیر شدگان از چنگال حکومت اسلامی به میدان آمد. نباید اجازه داد که حکومت مفلوک و درمانده اسلامی عزیزان شما را در بازداشت نگه دارد. با ارتباط گرفتن با زنان، جوانان و مردم در دیگر محلات شهر مربیان و شکل دادن به شبکه های گسترده مبارزاتی و با اتکا به شبکه میدیای اجتماعی، باید کاری کرد که نه تنها عزیزان دستگیر شده فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند و هر نوع پرونده سازی برای آنان ملغی شود، بلکه مرتجعین اسلامی سلفی نیز جرات نکنند بار دیگر برای مردم مزاحمت ایجاد کنند. این



گروه های مقاومت مردم محله دارسیران و سایر محلات مربیان در مقابل سلفی ها و حملات نیروهای حکومت اسلامی تشکیل شدند!

شما را فرا می خوانیم برای ایجاد سازماندهی محلات دست بکار شوید و با سازماندهی گروههای مبارزاتی در همه محلات علیه فتوای سلفی ها و مرتجعین و توطئه های نیروهای حکومت اسلامی آمادگی خود را افزایش دهید.

خلع ید از اسد بیگی قطعی شد یک موفقیت مهم برای کارگران نیشکر هفت تپه



بنا بر خبرهای منتشر شده روز هجدهم اردیبهشت ماه حکم خلع ید از اسد بیگی مالک خصوصی شرکت نیشکر هفت تپه اعلام شد. پنج سال است که کارگران با این موجود خبیث در جنگ و جدال بودند و بالاخره بعد از مبارزه ای جانانه کارگران نیشکر هفت تپه موفق شدند که حکومت اسلامی را به خلع ید از مالکیت بخش خصوصی و در راس آن اسد بیگی ناچار کنند. اسد بیگی فقط یکی از کارفرمایان بخش خصوصی نبود. او سر دسته یک باند مافیائی و ضد کارگری بود که تا روز آخر اخراج و سرکوب و پرونده سازی علیه کارگران را فعالانه دنبال میکرد و حمایت و پشتیبانی جناحهای مختلف حکومت را با خود داشت. خلع ید از اسد بیگی یک پیروزی مهم و شروع دور تازه ای در جنبش حق طلبی کارگران هفت تپه برای دستیابی به تمام خواستههایشان است.

بنا بر خبر رای خلع ید و فسخ قرارداد بخش خصوصی هفت تپه توسط شعبه بیست و یک دادگاه حقوقی تهران صادر شده است. بسیار روشن و بدیهی است که خلع ید از این باند چپاولگر نتیجه مبارزه و اعتصابات و اعتراضات متدانه ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه است و این پیروزی را به این کارگران شادباش میگویم.

کارگران نیشکر هفت تپه طی بیانیه ای این موفقیت بزرگ را جشن گرفته و چنین نوشته اند: "این پیروزی مشترک به همه کارگران شریف هفت تپه، خانواده های هفت تپه، مردم شریف شوش و منطقه به همه یاران و حامیان هفت تپه مبارک باد! امروز کام مان شیرین شد و این پیروزی را با غرور جشن می گیریم! به امید شیرین کامی کارگران و مردم شریف و عزیز ایران در همه عرصه های زندگی! به امید عبور از این دوران سخت بیماری و بیکاری و مشکلات معیشتی و...".

کارگران نیشکر هفت تپه این موفقیت را بدست نتیجه اتحاد و همبستگی مبارزاتی خود دانسته و مینویسند: "ما امروز یک پیروزی شیرین و مهم بدست آوردیم. ما با قدرت اتحاد و مبارزه و تسلیم

برادران افکاری باید آزاد شوند حبیب و وحید افکاری تحت فشارند، به حمایت از آنها برخیزیم!



برادر و خانواده آنها بپایخیزیم و آنها را از چنگ جنایتکاران نجات دهیم.

مردم آزادیخواه و شریف!

نوید را کشتند تا جامعه بپاخسته را مرعوب کنند، اما اعتراض به اعدام نوید به طوفانی جهانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. فشار و تهدید حبیب و وحید افکاری و آزار و اذیت خانواده آنها نیز به قصد ارعاب جامعه صورت میگیرد. این مساله ای مربوط به همه ماست. باید صدای وحید و حبیب باشیم. باید از آنها و خانواده افکاری حمایت کنیم. همه مردم آزاده در داخل و خارج کشور را فرامیخوانیم به هر شکل ممکن به یاری آنها برخیزیم و خواهان آزادی فوری آنها شویم. از نهادهای مردمی تا کشتی گیران و ورزشکارانی که در کنار نوید ایستادند، از هزاران فعالی که در مدیای اجتماعی حرکتی جهانی به راه انداختند، از مردم کردستان که تجربه گرانبهایی علیه اعدام دارند تا خانواده های دادخواه، همه با هم دست به کار شویم و طوفانی علیه حکومت آدمکش و شکنجه گر اسلامی به راه اندازیم. حزب کمونیست کارگری نهادهای بین المللی را نیز فرامیخواند که جمهوری اسلامی را برای آزادی حبیب و وحید تحت فشار قرار دهند.

برادران افکاری باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. با تمام قوا به یاری آنان برخیزیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰
۹ می ۲۰۲۱

وحید افکاری، برادر نوید افکاری، که در زندان عادل آباد شیراز به همراه برادر دیگر خود حبیب افکاری دوران محکومیت خود را میگذراند با ارسال یک فایل صوتی بار دیگر بر بی گناهی خود تاکید کرد و از مردم استمداد طلبید. او در این فایل صوتی بار دیگر به پروسه رسیدگی به پرونده خود اعتراض کرده و گفته است که بدون مدرک بازداشت میکنند، پرونده سازی میکنند و حکم صادر میکنند و زندگی آنها را میگیرند و بدتر از آن، اعدام میکنند.

طی هشت ماه گذشته و پس از اعدام نوید افکاری، دو برادر او وحید و حبیب بارها در زندان مورد شکنجه قرار گرفته و در تمام این مدت در سلول انفرادی محبوس شده اند و از تماس تلفنی با خانواده محروم شده اند. این دو برادر در بند موسوم به "عبرت" زندان عادل آباد شیراز که به بند در بسته نیز شهرت دارد نگهداری میشوند و مقامات زندان از انتقال آنها به زندان سیاسی ممانعت میکنند. اخیراً نیز این دو برادر از ضرب و شتم و تهدید به قتل از سوی مقامات زندان خبر داده اند و در این رابطه نیز شکایتی تنظیم کرده اند اما میگویند که جلسه بازپرسی بدون دسترسی به پرونده و اسناد نقض حقوق آنها بطور فرمال برگزار شده است.

جنایتکاران نوید را کشتند و اکنون حبیب و وحید را در خلوت تحت فشار گذاشته اند تا از پای درآورند و صدایشان را کسی نشنود. خانواده آنها را نیز تحت فشار قرار داده اند که آنها را از دادخواهی باز بدارند. باید هرچه گسترده تر به حمایت از این دو

فوری خود از جمله بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی، دائمی شدن قراردادهای موقت و فصلی تاکید نموده و مینویسند: "هفت تپه ظرفیت اشتغال هفت هزار کارگر را دارد. ما زندگی و امنیت و آرامش و رفاه که شایسته همه ماست را به هفت تپه و شوش و منطقه باز می گردانیم".

این کارگران همچنین اعلام کرده و مینویسند: "دادگاه اختلاسگران که دو میلیارد دلار (برابر با مبلغ لازم برای ایجاد یک میلیون شغل و برابر با حدود هشتاد سال دستمزد کل کارگران هفت تپه)، اختلاس کرده اند باید سریعاً از سر گرفته شود!"

خلع ید از اسد بیگی و باند مافیائیش برای همه کارگران در ایران یک موفقیت مهم است. تأکيدات کارگران نیشکر هفت تپه بیانگر هوشیاری آنها در ادامه مبارزه است که اجازه ندهند باندهای حکومتی این پیروزی را دستمایه بازی با سرنوشت هفت تپه و زندگی کارگران نمایند. کارگران نیشکر هفت تپه پنج هزار نفرند اما قدرت آنها از پنج هزار نفر فراتر میرود. یک طبقه سراسری و جهانی کارگران را برای عملی کردن تمام خواسته های خود و از جمله بازگشت به کار اسماعیل بخشی و محمد خنیفر، بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی علیه کارگران و پایان دادن به دستمزد های زیر خط فقر همراهی میکنند. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه! زنده باد اتحاد تمامی کارگران!

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰
۸ مه ۲۰۲۱

از صفحه ۲

روزهای مقاومت و ...

میان خانواده های جانباخته موج میزند. دوستی و اتحاد در میان شما نهادهای زیست محیطی با برگزاری بزرگترین مراسم گرامیداشت جان باختن شریف باجور به سرانجام رسید. مریدان تجلی بخش اتحاد و همبستگی در میان کارگران، زنان و فعالین اجتماعی و مدنی، فعالین و مدافعین حقوق کودک است که ما در پنج دهه گذشته تجربه کرده ایم و در سال جاری در پارک شانو دیدیم.

در يك كلام مریدان و تجارب امروز که در ده ها نهاد مدنی و عروج صدها فعال کارگری، جنبش برابری زنان و مدافعین حقوق کودک و حق حیات زنده است، حاصل و از نتایج مبارزات قاطعانه و پیگیر جدال سیاسی و طبقاتی از يك طرف کارگران و مردم زحمتکش و در جبهه دشمن حکومت اسلامی از ارتجاع اسلامی تا خفاش های کور سلفی و سرمایه دارانی است که از رنج کار کارگر و کولبر به سرمایه های میلیاردری رسیده اند.

با این توضیحات به برگ های کوتاه از یک تاریخ پر افتخار و ستودنی میپردازیم.

محلله دارسیران سابقه ای بس طولانی در سازماندهی مقاومت و مبارزه دارد. گنجینه ای از تجارب سازماندهی در مریدان و محلله دارسیران ثبت شده است. در مریدان در بیش از شش دهه گذشته مقاومت توده ای و خود سازمان یابی نهادینه شده است. خود سازمان یابی و تجارب مردم اساسا علیه مرتجعین محلی، فئودالها و اسلامی ها و حکومت اسلامی بوده است. مردم دارسیران چند سال قبل از قیام ۵۷ در اقدامی خودسازمایافته با شرکت ده ها خانواده از دهقانان بطرف مرز عراق کوچ کردند. مبارزه جمعی آنها در اعتراض به حکومت پهلوی و نهادهای اداری که از مالکان دفاع می کردند، انجام شد. کوچ مردم دارسیران رژیم پهلوی را به وحشت انداخت و آنها مجبور شدند با فرستادن هیئتی از نخست وزیری وقت به مریدان خواستهای مردم دارسیران را به مالکان تحمیل کنند.

مریدان شهر جدل و کشمکش سیاسی و اجتماعی پر هزینه ای بوده است. مریدان از شش دهه گذشته میدان مبارزه برای آزادی خواهی و رهایی، علیه ستم و تبعیض و ارتجاع بوده. شهر اعتراض و مبارزه قطبی و خونین بوده. شهر انتقام از طرف مرتجعین و حکومت اسلامی علیه آزادیخواهی و رهایی بوده. شهر ارگان های حاکمیت توده ای برآمده از بدست گرفتن قدرت سیاسی و دخالت گری مردم در سرنوشت خود است. شهر مبارزه پیگیر و سازش ناپذیر بزرگترین و محبوب ترین کمونیستهای ایران و کردستان فواد مصطفی سلطانی، عطا رستمی و صدها مبارز کمونیست و آزادیخواه دیگر است که علیه حکومت اسلامی و ارتجاع و مزدوران تمام قد ایستادند که برای يك دنیای بهتر و آزادیخواهی و سوسیالیسم جانباختند. مریدان شهر اعدام ۹ مبارز کمونیست بوده که با توطئه مزدوران محلی و ارتجاع مسلح دست در دست خلغالی، قاطعانه ایستادند و به حکومت اسلامی نه گفتند و اعدام شدند.

مریدان شهر مبارزه برای حقوق کولبران و دست فروشان است که توسط نیروهای حکومت اسلامی و نیروهای مرتجع سرمایه دار و ارتجاعی جان می بازند. مریدان شهر مبارزه توده ای علیه اعدام است که برای آزادی فرزند کمانگراها، رامین حسین پناهی ها و زانیار و لقمان مرادی ها دست به مبارزه زدند و در محکومیت اعدام ها اعتصاب عمومی سراسری در کردستان را با موفقیت به سرانجام رساندن. مریدان شهر ناکام کردن توطئه های ضد انسانی و ضد زن اسلامی ها از مکتب قرآن تا امروز سلفی های قسه کش است. در يك كلام مریدان شهر مبارزه رهایی بخش کارگران، زنان و معلمان و جوانانی است که هر روز مورد هجوم و دستگیری و اعدام قرار میگیرند. مریدان شهر عبدالله بیوسه فعال کارگری بود که در دفاع از حق تشکیل کارگران و برگزاری مراسم های روز کارگر توسط حکومت جنایتکار اسلامی اعدام شد. در مریدان دوستی و عشق در

مریدان شهر بنکه های محلات و ستاد حفاظت از شهر دستاوردهایی که امروز قابل تکثیر هستند.

بعد از قیام ۵۷ به ابتکار فعالین سیاسی ستاد مسلح حفاظت از شهر و دستاوردهایش تشکیل شد. این ستاد بخشی از ارگان توده ای مسلح برآمده از حضور توده ای مردم به رهبری نیروهای چپ و کمونیست بود. ستاد حفاظت عملا ارگان مسلح شورای شهر و ارگان دفاع از فعالیتهای اجتماعی بود که در شهر مریدان انجام میشد و همزمان ارگان سازمان یافته نیروی مسلح مردمی بود برای مقابله با توطئه و نقشه های نیروهای مرتجع و از جمله سلفی های مکتب قران به رهبری احمد مفتی زاده که با دخالت سپاه پاسداران و نیروهای مزدور وابسته به حکومت اسلامی تلاش می کردند در مریدان مستقر و دستاوردهای قیام مردم و تشکلهای مردمی را با سرکوب خونین متلاشی کنند.

سازمان یابی محلات در مریدان سابقه ای طولانی دارد.

در مقطع پیروزی قیام ۵۷ در محلات شهرهای کردستان بنکه های محلات ایجاد شدند. اعضای ساکنین محلات عضو بنکه میشوند و در مقر و یا دفتری ارگان سازماندهی محلله را برای کمک رسانی و فعالیتتهای اجتماعی سازماندهی می کردند. در مریدان در محلات شهر بنکه ها ایجاد شدند. بنکه ها هم ارگان توده ای اجتماعی بر آمده از قدرت سیاسی و اعمال اراده مردم برای اداره شورایی شهر بود. بنکه های محلات بخش توده ای از ارگان حاکمیت توده ای بودند.

خلع سلاح اولین ستاد نظامی حکومت اسلامی که با همکاری و تحت رهبری مفتی زاده در مریدان مستقر شد.

سلفی ها در گذشته تحت رهبری احمد مفتی زاده سازماندهی میشدند. سپاه پاسداران و مکتب قران برای سرکوب و به خون کشیدن تشکلهای توده ای مردم و ارگان های حاکمیت مردمی و ترور فعالین سیاسی، ستاد نیروهای مزدور با تجهیزات کامل نظامی و ده ها نیروی مسلح را در مریدان مستقر کردند. در ۲۳ تیرماه ۱۳۵۸ مردم مریدان و تشکلهای سازمان یافته موجود، جمعیت زنان، اتحادیه

دهقانان، کانون دانش آموزان و تشکل کارگران شهر در تظاهرات با شرکت بیش از هزار نفر که به اعتراض به سانسور در دولت بازرگان سازمان داده بودند، همزمان در مسیر تظاهرات و بعد از برگزاری میتینگ در محکومیت سانسور در دولت بازرگان در مقابل ستاد نظامی سپاه پاسداران و مکتب قران دست به تجمع اعتراضی زدند.

مردم که از حضور نیروهای سپاه پاسداران و مکتب قرانی ها نگران بودند و حاضر نبودند دستاوردهای حاکمیت توده ای و شورایی را به آسانی از دست بدهند خواهان تعطیلی و تصرف ستاد شدند. نیروهای مستقر در ستاد بطرف مردم تیراندازی کردند. سه نفر از تظاهرکنندگان در صفوف مردم (محمد درسید کارگر شهرداری، محمود بالکی از اتحادیه دهقانان و رفوف کهنه پوشی از کمونیست های محبوب شهر) در لحظات اول جان باختند. مقر ستاد به تصرف مردم تظاهر کننده درآمد.

کوچ تاریخی مردم مریدان!

با ناکام شدن استقرار نیروهای سپاه پاسداران و مزدوران محلی و بر ملا شدن اقدامات تروریستی مرتجعین، سپاه پاسداران عملیات انتقال نیروهای نظامی از تهران، کرمانشاه و شهرهای نزدیک به پادگان مریدان را به هدف حملات خونین به شهر مریدان شروع کرد. شورای شهر مریدان و مردم خطر جنگی تحمیلی و خونین را در يك قدمی خود میدیدند. به منظور خنثی کردن حملات سپاه، ارتش و مزدوران محلی مذاکرات با تعدادی از نیروهای اعزامی حکومت اسلامی شروع شد. مذاکرات به بن رسید. نیروهای حکومت اسلامی و مزدوران محلی قصد بخون کشیدن شهر مقاوم مریدان را داشتند. برای

خنثی کردن و کاهش شرایط خونبار جنگ و درگیری مسلحانه در شهر، در غروب ۳۰ تیرماه سال ۱۳۵۸، شورای شهر مریدان همراه با سایر نهادهای مردمی این شهر، پیشنهاد "کوچ اعتراضی" به خارج از شهر را اعلام می کنند.

بیش از هشتاد درصد ساکنین شهر به محلی در مسیر ایران و عراق در کانی میران کوچ می کنند و در آنجا مستقر می شوند. با کوچ مردم شهر نیروهای حمایتی و سازماندهی های ضروری برای اداره کوچ و کمک رسانی های فوری و ضروری تیم و ارگانهای مختلف توسط شورای شهر و مبارزین و فعالین سیاسی تدارک دیده شد. جمعیت وسیعی از شهرهای کردستان با سازماندهی راهپیمایی های طولانی بطرف شهر مریدان و محل کوچ آمدند.

درسهای کوچ تاریخی شهر مریدان بیشمارند. درسهای این کوچ را ما امروز در ادبیات و شیوه مبارزه مردم در سطح سراسری و کردستان تجربه میکنیم. در چند روز گذشته ما شاهد بودیم که تعداد زیادی از جوانان گنگتمان راهپیمایی از شهرهای کردستان بطرف محلله دارسیران را زنده کرده اند.

ختم كلام. وقایع یازده اردیبهشت ۱۴۰۰ در مریدان و محلله دارسیران بار دیگر به ما میگوید بکارگیری تجارب ارزنده سازمانیابی توده ای با دخالت مردم در سرنوشت خویش و ایجاد نهادهای توده ای و مقاومت، موفق و موثر است. مردم مریدان و محلله دارسیران اینبار با بکارگیری دستاوردها و تجارب شش دهه گذشته برگی دیگر به تاریخ سیاسی و مبارزاتی خود اضافه کردند. زنان در صف اول این تجربه ارزنده ایستاده اند.

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰
۱۰ می ۲۰۲۱

شناسایی کنید

مردم مبارز کردستان! مردم مبارز مریدان!



فتوا دهندگان علیه کفرگویی و اوباشی شوروشان را شناسایی کنید و در میدای اجتماعی و در کوچه و خیابان آنها را معرفی کنید!

در کردستان پرچم آزادی خواهی و انقلابی در دستان زنان، کارگران و جوانانی است که آتزا علیه حکومت و مرتجعین و فکارک برافراشته و هم زمان در مقابل مرتجعین و فتوا دهندگان و قسه کشان سلفی شجاعانه ایستاده اند.



بیاد فرزاد کمانگر و یارانش

عبدل گلپریان

روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت مصادف با یازدهمین سالگرد اعدام پنج زندانی سیاسی، فرزاد کمانگر و یارانش است که در روز ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۹ توسط حکومت جهل و جنایت اسلامی اعدام شدند. فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی حسینیان، فرهاد و کیلی و علی حیدریان کسانی بودند که بعد از اعدام این عزیزان توسط جلاان حکومت اسلامی، موجی از خشم و ازجار عمیق در میان مردم شهر و روستاهای کردستان و مردم شرافتمند داخل و خارج کشور علیه حاکمان اسلامی را بدنبال داشت. متعاقب این آدم کشی سیستماتیک و در اعتراض به این جنایت، مردم شهرهای کردستان به فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی در روز پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ در یک اعتصاب عمومی گسترده شرکت کردند. در این روز همه مردم کردستان، کارگران، دانشجویان، معلمان، دانش آموزان و مغازه داران و کارمندان در اعتراض به جنایت وحشیانه رژیم و در بزرگداشت یاد این عزیزان متحد و یکپارچه مراکز کار و تحصیل، کارخانه ها، کارگاهها، مدارس و دانشگاهها، ادارات و مغازه ها را تعطیل کردند. این اعتصاب عمومی جواب محکمی به آدمکشان اسلامی حاکم بر ایران بود. اعتصاب عمومی مردم شهرهای کردستان کاربدستان و نیروهای رژیم را کاملاً به هراس انداخت و از اینکه مبادا کنترل اوضاع از دستشان خارج شود نگران و وحشت زده نظاره گر اوضاع شدند. سنجند، مهاباد، کامیاران، پاوه، نوسود، بوکان، دیواندره، دهگلان، سقز، بانه، سردشت، پیرانشهر، نقده، ربط و اشنویه و دیگر شهرهای کردستان به اعتصاب عمومی پیوستند.

سرکوبگران اسلامی با ایجاد فضای نظامی و با حکومت نظامی اعلام نشده تمام تلاش خود را بکار گرفتند که جلو حرکت مردم را بگیرند اما ناکام ماندند. جنایتکاران اسلامی که تشبثات خود را یعنی یک روز قبل از

دنیا باید علیه جنایت هولناک اسلامی ها در افغانستان بپاخیزد!

هزاران نفر نیز در بیش از ۳۰ شهر افغانستان بویژه در بغلان، هلمند و غزنی بی خانمان شده اند.



این بساط مشقت باری است که نیروهای ناتو و در رأس آن آمریکا در طول بیست سال حضور خود در افغانستان و با مخارج نجومی دو تریلیون دلاری، با برپا کردن حکومتی فاسد، دست در دست مافیای احزاب جهادی، شیرازه جامعه را از هم دریده اند و حال نیروی هار تروریستی طالبان و گسترش توحش افسارگسیخته اسلام سیاسی را بعنوان راه حل بر سر جامعه زخم خورده افغانستان گرفته اند. آنچه امروز به مردم افغانستان به نام مذاکرات صلح تحویل داده می شود، چیزی بجای ادامه مشقات بیشتر، زن ستیزی عریان تر و فقر و مسکنت بیشتر نیست.

حزب کمونیست کارگری، عمیقاً خود را شریک غم و اندوه خانواده های جانبختگان می داند. این عملیاتهای تروریستی را از جانب هر کدام از جریانهای جنایتکار اسلامی که باشد قویاً محکوم می کند. این وضعیت محتوم جامعه نیست و نباید باشد! اعتراض و عقب راندن این شبکه های فاسد و تبهکار و تروریست ممکن است. این بساط نفرت انگیز را می توان به هم ریخت و جامعهای انسانی ساخت. همه این غم و اندوه تحمیل شده به جامعه دردمند افغانستان می تواند و باید به نیروی عظیم خشم و اعتراض بدل شود.

تا فرصت هست باید نیروهای چپ و مترقی با بسیج جامعه در مقابل آلت رناتیهوهای ارتجاعی و بازگرداندن توحش اسلام سیاسی با جلب وسیع افکار عمومی جهانیان به حمایت از مقاومت و اعتراض و مبارزه به حق مردم افغانستان به این حرمان بی پایان خاتمه دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰
۱۰ مه ۲۰۲۱

روز شنبه ۸ ماه مه در یک اقدام جنایتکارانه تروریستی در سه انفجار مرگبار در مقابل یک مدرسه دخترانه در دشت برچی در غرب کابل، ۶۸ نفر انسان بیگناه کشته و بیش از ۱۵۰ نفر مجروح و زخمی شدند. بیشتر قربانیان دختران همین مدرسه اند که بیرحمانه به قتل رسیدند. این جنایت هولناک ادامه عملیات تروریستی زنجیره ای در سراسر کشور است که پس از توافقات دوحه و تضمین طالبان به عدم حمله به نیروهای آمریکایی و ناتو مستقر در افغانستان با تمام قساوت و بیرحمی، مردم و جامعه مصیبت دیده افغانستان را هدف گرفته است.

یک هفته پیش از کشتار بیرحمانه در دشت برچی، نزدیک به ۳۰ دانش آموز که برای شرکت در امتحانات کنکور به شهرستان آزره در استان لوگر رفته بودند، قربانی بمب گذاری طالبان گردیدند. در یک اقدام تروریستی دیگر به مرکز آموزشی کوثر ۳۰ دانش آموز به کام مرگ کشیده شدند. در عملیات تروریستی یکشنبه در زابل نیز، انفجار مین مغناطیسی ۱۱ تن از سر نشینان یک اتوبوس مسافربری را تکه پاره کرد. همزمان با بمب گذاریها، ترورهای نقشه بندی نیز علیه فعالین جنبشهای اجتماعی، خبرنگاران، هنرمندان و منتقدین صورت گرفته است.

بر اساس آمارهای نهادهای ناظر بر درگیریهای نظامی فقط در چهار ماه نخست سال جاری، نزدیک به ده هزار نفر در جریان عملیاتهای نظامی جان باختند.

ناخواسته بر بستر شرایطی که حاکمان اسلامی برای جوانان فراهم کرده اند و عضوی از خانواده را از دست داده اند، با گذشت از اجرای قانون ضد انسانی قصاص و حتی نپذیرفتن دیه، در مقابل این قانون و قتل عمد دولتی می ایستند و آنرا پس میزنند. این یک نه بزرگ به اعدام در ایران است. اینها نمونه های درخشانی از عمیق ترین احساسات و عواطف انسانی خانواده هایی است که عزیزی را از دست داده اند اما حاضر نیستند خانواده دیگری را داغدار کنند.

اکنون و بعد از سپری شدن یازده سال از جنایت آدمکشان اسلامی، جنبش علیه اعدام به حرکتی بالنده علیه کل بساط اسلامی و قوانین ضد انسانی آن تبدیل شده است. مردم در مقابل این توحش نه تنها علیه مجازات و احکام اعدام و برای پایان دادن به قوانین قرون وسطایی قصاص ایستاده اند بلکه به مبارزه ای برای سرنگونی کل ساختار حکومت اسلامی به میدان آمده اند. دی ماه ۹۶، آبان و دی ماه ۹۸ نقطه عطف هایی در جهت تحقق این امر و برای رهایی کل جامعه از نکت اسلامی بود. این روند با قدرت هرچه بیشتری و علی رغم شرایط دهشتناک ناشی از ویروس کرونا، در اعتراضات و تجمعات هر روزه در مراکز کارگری، در مقابل نهادهای حکومتی و در همه جا همچنان مصمم پیش می رود و تا سرنگونی حکومت اسلامی کوتاه نخواهد آمد.

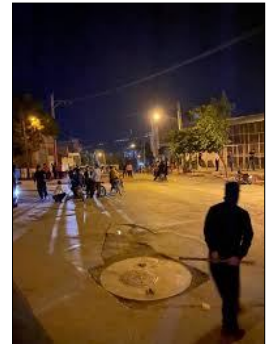
در یازدهمین سال این جنایت توسط جلاان حکومت اسلامی، ضمن گرامیداشت یاد این عزیزان جنبش علیه اعدام را باید بیشتر از این تقویت و ماشین کشتار حکومت اسلامی را متوقف کرد. یاد عزیزان، فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی حسینیان، فرهاد و کیلی و علی حیدریان گرامی باد.

اردیبهشت ۱۴۰۰
مه ۲۰۲۱



نگاه هفته: تهیه کننده پروین معاذی

بیانیه جمعی از فعالین کارگری سنندج و ژاوه رود



آزادی و کرامت انسانیشان بی اطلاع می باشند و فراموش نموده اند که قریب به چهل سال قبل همین مردم میروان چه تاریخ پرافتخاری را در برابر ارتجاعی بمراتب درنده تر از آنها با کوچ تاریخیشان به نمایش گذاشتند و مردم سنندج چگونه با راهپیمایی بسمت میروان همبستگی و همدلی خود با آنها را نشان داده و به یاریشان شتافتند. کارگران ، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب میروان ؛

ما جمعی از فعالین کارگری سنندج و ژاوه رود ضمن اعلام همبستگی و حمایت همه جانبه از شما اعلام می داریم چونان همیشه ی تاریخ در کنارتان ایستاده ایم و خود را در مقابل با ارتجاع از هر نوع آن، با شما در یک سنگر می بینیم و در صورت ادامه این تعرضات بیشمارانه از هیچگونه حمایت معنوی و عملی دریغ نخواهیم نمود. دستانتان را به گرمی و میفشاریم و تلاشهای چند روزه اخیر و سازماندهی و همبستگی شما در به عقب راندن این وحوش و مرتجعین را می ستاییم که برگ زرین دیگری را در تاریخ مبارزات مردم میروان به ثبت رساندید و از همینجا نیز از کلیه افراد و جریانات چپ که دفاع از آزادی و برابری را امر خود می دانند درخواست می نماییم که فارغ از هر جناح بندی و اختلاف نظرهای سیاسی و نظری ، صفی واحد را در مقابل این متحجرین و در دفاع از مردم دارسیران و میروان تشکیل دهیم و در صورت ادامه این تحركات وحشیانه با اقدامات عملی جوابی در خور را به آنها داده باشیم و بار دیگر این کهنه پرستان را در کردستان به گورستان تاریخ بفروستیم. در پایان لازم می دانیم که بر آزادی بی قید و شرط چهار نفر از جوانان میروانی بنامهای : فواد فیضی ، کژوان فیضی ، آکو چاوگی و شیرکو سهرابی تاکید نماییم که مرتکب هیچگونه جرمی نگردیده و تنها به دفاع از خود ، خانواده و همشهریانسان برخاسته اند و طبق روال معمول مجرمین واقعی و

تعرض و دست درازی مرتجعین سلفی به زندگی مردم میروان بشدت محکوم است.

مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان؛

همانطور که همگان آگاهید و طبق خبرسانی هایی که در رسانه های اجتماعی صورت گرفته است در طی چند روز گذشته عده ای افراد سلفی در حرکتی از پیش برنامه ریزی شده به محله دارسیران میروان هجوم برده و یکی از ساکنین این محله را مورد ضرب و شتم قرار داده اند و اقدام به تهدید و خط و نشان کشیدن برای خانواده این فرد و اهالی دیگر این محله نموده اند.

در شبهای بعد حضور جوانان و زنانی که با دم دستی ترین ابزارها برای دفاع از زندگی و کرامت انسانی خود به میدان آمده بودند مانع از تعرض دوباره این گله های اوباش سلفی گردید و هر کدام در گوشه ای خزیده و از ترس مردم بمیدان آمده اقدام به شانتاژ و هیاهو نموده اند که گویا فرد مورد تعرض مشروب فروش بوده و اقدام به کفرگویی نموده است. این بهانه های واهی هیچکدام نمی تواند اعمال این وحوش از گوربرخواستنه قرون وسطایی را توجیه نماید و اعمال آنها مصداق عینی دخالت در زندگی شخصی و محدود نمودن آزادی های فردی مردم است. ظاهرا این داعشی ها ، کردستان و میروان را با دارالخلافه و سرزمین موعودشان در موصل و رقه اشتباه گرفته اند و از تجارب تاریخی این مردم در دفاع از

داعشیهایی که آتش بیار و آتش افروز این واقعه بوده اند آزادانه و بدون هیچگونه پیگرد و عواقبی مشغول دسیسه چینی برای ارتکاب مجدد اعمال شنیع و غیرانسانیشان می باشند.

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

جمعی از فعالین کارگری
سنندج و ژاوه رود

قتل فجیع علیرضا فاضلی منفرد را شدیداً محکوم می کنیم !



خبر قتل فجیع علیرضا فاضلی منفرد به دلیل همجنسگرا بودن توسط چند عضو خانواده اش دلهای بسیاری را به درد آورده است. همان داسی که رومینا را به قتل رساند جان علیرضا فاضلی منفرد را نیز گرفت. آدمی از خود می پرسد که مگر علیرضا چه جرمی مرتکب شده بود؟ آیا عشق ورزی به جنس موافق جرم است؟ آیا انسانها حق انتخاب شیوه زندگی و انتخاب عشق خود را ندارند؟

در دنیای متمدن حقوق همجنسگرایان و دگرباشان جنسی برسمیت شناخته شده است. اما دنیای متحجر اسلامی، ناموس پرستی و لجنزار جمهوری اسلامی همجنسگرایان را به مرگ محکوم میکند و این در حالی است که طبق قوانین کثیف اسلامی تجاوز به دخترچه ها تحت عنوان ازدواج اسلامی تبلیغ میشود و بی شرمانه به متجاوزگران به کودکان و زنان پاداش می دهند.

قتل علیرضا فاضلی منفرد نوعی اعدام وحشیانه و از قبل طرح ریزی شده بود. قاتلین اما به شماری از بستگان وی محدود نمی شوند. جمهوری اسلامی عامل اصلی این جنایت است. این محصول فرهنگ و آموزه های اسلامی جمهوری اسلامی و آیت الله ها است. این محصول لجنزار حکومت اسلامی است که آدم کشی را قانونی کرده

است و تبعیض را رسمیت داده و مدام در مسجد و مدرسه و رسانه های حکومتی علیه همجنسگرایان و دگرباشان جنسی نفرت پراکنی می کند. در جوامعی که حقوق پایه ای انسانها پاس داشته می شود و حقوق انسانی دگرباشان جنسی محترم شمرده می شود، این اتفاقات کمتر امکان بروز می یابند. اما در جمهوری اسلامی که بر اساس انکار وجود دگرباشان جنسی و حقوق آنها استوار است زمینه این فجایع آماده میشود.

کمیته بین المللی علیه اعدام قتل فجیع علیرضا فاضلی منفرد را شدیداً محکوم می کند و همه شهروندان را فرا می خواند که با قدرت تمام از حقوق انسانی همجنسگرایان و کویرها به دفاع برخیزند و به احدی اجازه ندهند که با توسل به باورهای ضد انسانی و جنایتکارانه حقوق این انسانها را پایمال کند و یا خون آنها را بریزد. زمان تغییر فرا رسیده است. اولین قدم در این جهت سرنگونی حکومت همجنسگرا ستیز و انسان ستیز جمهوری اسلامی و مقابله جلدی با باورهای ارتجاعی و عقب مانده است. این باورهای عقب مانده را باید به آخوندها و مقامات جنایتکار و مفتخور و ضد انسان حکومت سپرد .

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰
۸ می ۲۰۲۱

سیستم همجنسگراستیز و کشتار کویرها

قتل بی رحمانه علیرضا فاضلی منفرد، موج گسترده ای از خشم و اعتراض را در بین کاربران شبکه های اجتماعی و جامعه برانگیخته است.

همجنسگرایان، دوجنسگرایان، ترنسجندها و کویرها از بی حقوق ترین بخشهای جامعه ایران هستند که در سالهای اخیر با اعتراضی شدن جامعه و رادیکال شدن فضای سیاسی به نفع جنبش سرنگونی و انسانگرایی و برابری طلبی صدای اعتراض و مطالبه گری و دادخواهی خود را بلند کرده اند و آشکارتر از هر زمان دیگری در تاریخ، به میدان مبارزه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آشکارسازی هویت و گرایش جنسی خود روی آورده اند و بیش از

هر زمان دیگری میتوان کنشگری و ردپای همجنسگرایان و کویرها و جنبش نوپای دفاع از حقوق کویرها را در تمامی مبارزات چندین ساله ی جامعه مشاهده کرد.

نظام ضدانسانی جمهوری اسلامی با در دست داشتن سیستم آموزش و پرورش، رسانه های گسترده و رادیو تلویزیون و روزنامه و وضع قوانین و سیستم سرکوب قضایی و پلیسی به ترویج گفتمان و فرهنگ همجنسگراهراسی و کویر ستیزی پرداخته است و مذهب اسلام نیز به عنوان پشتوانه شرعی و فکری این حکومت در قالب نهادهای مذهبی و احکام شرعی و منبر و مسجد و حسینیه به پمپاژ این تفکرات همجنسگراستیز، ضدن، مردسالارانه و سلطه گر یاری میرساند.

همجنسگرا کشی در ذات این نظام سیاسی است و در تمامی عمر این حکومت، همجنسگرایان قربانیان و سرکوب شدگان همیشگی بودند از کشتار همجنسگرایان قنات جهرم تا شکنجه سیستماتیک شوک درمانی همجنسگرایان و ترویج فرهنگ همجنسگراستیز و کویرهراسی میتوان آشکارا نقش اصلی و سیستماتیک نظام جمهوری اسلامی را مشاهده کرد.

قتل علیرضا فاضلی منفرد به دست افرادی از خانواده، نباید ما را از جانی و قاتل بزرگ تر و اصلی که نظام جمهوری اسلامی است غافل کند. این جنایت بار دیگر اهمیت سرنگونی جمهوری اسلامی برای ما همجنسگرایان، دوجنسگرایان، ترنس ها و کویرها را نشان داد و لزوم مبارزه سیاسی، کار جمعی و متشکل برای توانمند و قدرتمند شدن و داشتن هدف و برنامه برای مبارزه همراه با بقیه جامعه و جنبش های مبارزاتی فعال برای سرنگونی و نابودی این نظام همفوب را یادآور ما میکند.

ما کویرها نباید از این اتفاقات بترسیم ، زمان ایستادن، مطالبه گری و دادخواهی است و ما پیروز این مبارزه خواهیم بود.

مهران حمیدی

اردیبهشت ۱۴۰۰

برگزاری جلسه بازپرسی
اسماعیل گرامی فعال کارگری
اسماعیل گرامی، فعال کارگری

از صفحه ۶

نگاه هفته...

با گذشت ۳۷ روز از زمان بازداشت کماکان در زندان تهران بزرگ به سر می برد. جلسه بازپرسی اسماعیل گرامی صبح روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه، در شعبه دوم بازپرسی دادسرای اوین برگزار شد. او در تاریخ ۱۴ فروردین ماه توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود در تهران بازداشت و در تاریخ ۱۹ فروردین ماه به قرنطینه زندان تهران بزرگ منتقل شده بود.

جلسه بازپرسی پرونده اسماعیل گرامی صبح روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه، در خصوص اتهاماتی از جمله "اخلال در نظم عمومی و شرکت در تجمع غیرقانونی" در شعبه دوم بازپرسی اوین برگزار شد. با وجود سپری شدن بیش از ۵ هفته از زمان بازداشت، بازپرس پرونده از تبدیل قرار بازداشت این شهروند ۶۷ ساله به قرار وثیقه خودداری کرده است.

عدم پرداخت دستمزد کارگران شهرداری بانه

بنابه گزارش دریافتی، کارگران خدماتی شهرداری بانه سه ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. این کارگران که تاکنون چندین بار دست به تجمع و اعتراض زده اند، طی دادن ضرب العجلی به مسئولین شهرداری اعلام کرده اند اگر طی چند روز آینده کلیه دستمزدهایشان پرداخت نشود دست از کار کشیده و تا رسیدن به خواسته هایشان به سر کار باز نخواهند گشت.

کارگران و کولبران در هفته گذشته



زخمی شدن يك کولبر در مرز شهرستان بانه

روز چهارشنبه پانزدهم اردیبهشت ماه، "مسعود محمدی" از روستای "ننور" از توابع بانه در مرز این شهرستان بر اثر شلیک نظامیان حکومتی زخمی شد. جانبازان کارگر در مرز باشماق

متاسفانه يك جوان از روستای کولان که در مرز باشماق مشغول کارگری بود، بین دو دستگاه تریلی گرفتار و جان خود را از دست میدهد.

زخمی شدن يك کولبر با مین های تلای سپاه پاسداران نادر صابری کولبر از روستای تیلکو کامیاران بر اثر انفجار مین در مرز "نوسود" از ناحیه پا به شدت زخمی شد

کارگر ساختمانی در مریوان دچار حادثه کار شد

روز پنج شنبه شانزدهم اردیبهشت ماه، يك کارگر ساختمانی به نام "آرمان دریواس" در حین انجام کار برق داخل محوطه ی کارگاه به علت نبود ایمنی محیط کار دچار حادثه شده و از ناحیه سر و دست و لگن آسیب دیده است.

کارگر ساختمانی در مریوان دچار حادثه ناشی از کار شد!

روز پنج شنبه مورخ شانزدهم اردیبهشت ماه کارگر ساختمانی، به نام آرمان دریواس حین انجام فعالیت برق کاری داخل محوطه ی کارگاه به علت نبود ایمنی محیط کار دچار حادثه شد و از ناحیه سر و دست و لگن آسیب دیده است.

زخمی شدن يك کولبر در ارتفاعات مرزی پیرانشهر دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ (۱۰ می ۲۰۲۱)، آکو قادری در حالی که به قصد کولبری به مرز "ماشکان" پیرانشهر رفته بود، با شلیک مستقیم نیروهای مسلح ایران بشدت زخمی شد.

فرزاد جباری کولبر از ارومیه از ترس نیروهای سپاه خود را به رودخانه انداخت و جانباخت

يكشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ (۹ می ۲۰۲۱)، فرزاد جباری در حین کولبری در رودخانه "بنار" غرق شد و جانش را از دست داد. این کولبر در حالی مورد هدف قرار گرفته است که هیچ باری را حمل نمی کرده است. آکو قادری جهت مداوا به مراکز درمانی پیرانشهر منتقل شده است.

زخمی شدن يك کولبر در مرز شهرستان بانه

يكشنبه نوزدهم اردیبهشت ماه، يك کولبر به نام "ایوب" از سقز در

پی شلیک نیروهای نظامی حکومت اسلامی در مرز بانه زخمی شد .

این کولبر جهت مداوا پزشکی به بیمارستان صلاح الدین ایوبی بانه منتقل شده است.

کارگر ساختمانی به دلیل برق گرفتگی جان باخت .

کارگری به اسم اسلام قادری اهل روستای کولیز از توابع سروباد به دلیل برق گرفتگی و حادثه ساختمانی جان باخت. این کارگر که در سه راه نی مریوان مشغول کار داربست بوده متاسفانه به دلیل برق گرفتگی جان باخته است . جنازه این کارگر هنوز در سرد خانه بیمارستان مریوان می باشد.

کارگران و استادکاران محترم لطفا لطفا نکات ایمنی را رعایت نمایند .

انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و سروباد این حادثه تلخ را به خانواده و بستگان این کارگر عزیز تسلیت عرض می نماید.

۱۴۰۰/۲/۱۹

نیزارهای کانی برازان در آتش سوخت

رئیس اداره حفاظت محیط زیست مهاباد گفت چهار هزار متر مربع از نیزارهای کنار جادهای تالاب بین المللی کانی برازان این شهرستان در آتش سوخت . گرمای هوا، وزش باد و خشک بودن علفزارها و بوته ها از عوامل بروز آتش سوزی در این نیزارها بود . با توجه به کم آبی های پیش رو و کاهش بارندگی امسال احتمال حریق در عرصه های طبیعی بسیار محتمل است

بیانیه انجمن صنفی فرهنگیان سقز و زیویه در محکومیت برخورد نیروهای انتظامی با دانش آموزان دانش آموزان ما از "آتلاین شاد" بیرون آمدند تا مسئولین را با واقعیات تصمیمات خود آگاه کنند. هفته معلم و سرشلوغی مسئولان با اجرای برنامه ها و شعارهای دهن پر کن مانع از آن شد تا صدای هزاران دانش آموز نگران را بشنوند.

نوجوانانی که هنوز با سیاست» نشنیدن مشکل به معنای نبود مسأله است» آشنا نیستند و خواهان پاسخگویی به سوال ها و انتظارانشان هستند.

ما با کدام اقدام و برنامه می توانیم درستی بخشنامه ها را برای

این گروه از دانش آموزان ثابت کنیم و از نگرانی و دلهره آنان بکاهیم؟

آیا واکسیناسیون این گروه انجام شده است؟

آیا در صورت ابتلای آنان حمایت خاصی صورت می گیرد؟

آیا پیشنهادات و راههای دیگر بررسی شد؟

نظام آموزشی ما باید به این سوال پاسخ دهد که چرا ما هنوز برای قانع کردن، از زور و باتوم استفاده می کنیم؟ در کدامین برنامه و کتاب درسی آمده است که سوال فرزندان را با باتوم و اسپری فل فل پاسخ دهید؟

ما با این نوع برخورد در فضای حقیقی جامعه، به آینده سازانمان چه درسی دادیم و جایگاه مدیر پاسخگو و امنیت پلیس، در این مساله چگونه تعریف شده است؟

انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه ضمن محکوم نمودن ضرب و شتم دانش آموزان در این موضوع، خواستار عذرخواهی نیروهای انتظامی بابت برخورد ناشایست خود در این مساله است تا با این کار، حداقل به فرزندانمان بیاموزیم که هر کسی باید مسئولیت رفتار ناپسند خود را قبول کند و عذرخواهی کوچکترین کاری است که باید انجام داد.

از وزارت آموزش و پرورش انتظار می رود با مدیران شهرهایی که این اتفاق در آنها رخ داده برخورد نمایند تا همگان بدانند نهاد آموزش و پرورش، نهادهای پاسخگوست و هیچ مدیری بجای پاسخگویی به برخورد نیروی انتظامی متوسل نمی شود.

از ستاد کرونا و مسئولین آموزش و پرورش درخواست می کنیم، بصورت تخصصی تری این موضوع را با توجه به شرایط موجود جامعه مورد بررسی قرار دهند و جوابگوی اولیا و دانش آموزان باشند.

اطلاعیه اهالی داریسیران و حامیان

نه با کسی سرچنگ داریم و نه تسلیم تعرض افسار گسیخته گله های قرون وسطایی و فسیل شده "سلفی و داعشیه ها" که با ادرس غلط، مریوان را، با رقه و موسل

اشتباه گرفته و به محلات مریوان، خصوصا داریسیران حمله می کنند، خواهیم شد.

مردم متحد و آزادخواه مریوان، زنان، جوانان، تعرض به داریسیران به بهانه های واهی و فریبنده، تعرض به تمام محلات و تکت تکت شهروندان بوده، با این تفاوت که قرعه شروع، به اسم داریسیران درآمده است. پس نسبت به تعرض به داریسیران از طرف داعشی های چموش سکوت نکنید چون شما و تکت تکت انسانهای شریف مخصوصا زنان و جوانان در نوبت بعدی خواهند بود. بیایید این تعرض به انسانیت را در نقطه خفه کنیم.

آن سوی موضوع اگر دولت و نیروهای انتظامی مسئولیت امنیت شهر و شهروندان را به عهده دارد، سکوتش عملا تأیید و تشویق آنها و نا امن کردن جان و مال و زندگی شهروندان می باشد. لذا ارگانهای مسئول شهر را به صراحت، مسئول عواقب چنین وضعی می بینیم. در غیر این صورت، عملا ما همراه انسانهای شریف راهی جز دفاع از شرافت و کرامت خود و هموعان خود نداریم.

اهالی داریسیران و تمام حامیان

بیاد عذرا آدمی (آباجی)

میگفت هر وقت که مردم فراموش نکنید که آن لباس سفید با گلهای قرمز رو به تنم بکنید که چند سالی است آماده کرده ام، دوست دارم کسانی که میتوانند من را به قبرستان همراهی کنند و بر مزارم جمع شوند و برایم سرود انترناسیونال بخوانند. در مورد زندگی و فعالیتهایی که داشتم حرف بزنید تا جوانان بدانند من چگونه زندگی کردم و چرا تمامی دشواری های راه را طی کردم و به یادم شراب بنوشید. همراه با خنده تشنگش میگفت "جسمم را در خاک دفن کنید چون نمی خواهم بدنم را بسوزانم میدانم که خیلی اذیت میشم."

عذرا آدمی در سحرگاه روز پنجم می ۲۰۱۸ در آرامش درگذشت و البته، قبل از آن یادآوری کرده بود که تندیس تشنگی که از لبنین در طاقچه داشت همراه گل زیبایی در گلدان را کنار سرش بگذارند. یادش گرامی است. از صفحه فیس بوك مریم افراسیاب پور

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250

E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان تهیه و تنظیم: مینا بهروزی



سیاست افزایش جمعیت خامنه ای و سالانه یک میلیون و سیصد هزار سقط جنین در ایران

محمداسماعیل اکبری، مشاور وزیر بهداشت جمهوری اسلامی، آمار سالانه سقط جنین در کشور را بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار مورد اعلام کرد.

با وجود قوانین مربوط به باروری و فرزندآوری، در راستای اراده قاطع رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر افزایش جمعیت و تولید سربازان مطیع و وفادار با اهداف سیاسی، ایدئولوژیک و استراتژیک در پس این قوانین و با وجود پیگیری مجدانه تمام این سیاست‌ها، نرخ رشد جمعیت بر اساس آمار ثبت احوال برای سال ۹۸ تنها «یک درصد» و آمار سالانه سقط جنین در کشور بیش از «یک میلیون و سیصد هزار» مورد اعلام شده است، که نشان از عدم ارزش گذاری جامعه بر اراده خامنه ای و پشت کردن به جمهوری اسلامی و ارزش های مذهبی دارد.

این سیاست‌ها نمی‌تواند حق بر بدن زنان، حقوق باروری و همچنین حق سقط جنین را در راستای منافع اسلام سیاسی و همچنین سیاست ارتجاعی، ضدعلمی، ضدزن و ضدانسانی خامنه ای، از مردم و بیش از همه زنان بگیرد و حقوق انسانی و کیفیت زندگی آنان را تحت تأثیر قرار دهد و حتی با ممنوعیت قرص ضدبارداری و سقط جنین آمار آن را کاهش دهد. اما فاجعه اینجاست که با جرم انگاری سقط جنین و کمبود یا سازماندهی عدم دسترسی به وسایل پیشگیری، در کنار گسترش فقر و فلاکت، تنها می‌تواند بر سلامت و بهداشت بدن و روان زنان و جامعه تأثیر منفی بسازد بگذارد. برای جلوگیری از این امر همچون بسیاری بحرانهای دیگر مساله بود و نبود جمهوری اسلامی به میان می‌آید. بحرانی که جمهوری اسلامی مسبب آنست و به آن دامن می‌زنند تنها با سرنگونی این حکومت علاج می‌یابد.

تصمیم به پچه زایی باید به عهده خود افراد باشد و هیچ فرد حقیقی و حقوقی نباید زنان را ملزم به پچه زایی کند. همچنین سقط جنین باید آزاد باشد و اگر زنی به هر دلیلی تصمیم به کورتاژ میگیرد، باید از طرف دولت از

لحاظ بهداشتی، پزشکی و روانشناسی مورد حمایت قرار گیرد و نیز حرمت انسانی او مراعات شود که سلامتی جسمی و روحی وی و بالطبع سلامتی جامعه به مخاطره نیفتد. واضح است که با آموزش جنسی درست و بموقع و دسترسی به وسایل پیشگیری از بارداری هستند که می‌توان آمار سقط جنین را کاهش داد. که قطعا دادن این امکانات به زنان نیز بر عهده حکومت حاکم است.

شکیلا منفرد از بند زنان اوین به زندان قرچک ورامین تبعید شد

شکیلا منفرد، زندانی سیاسی که به ۴ سال و ۲ ماه زندان محکوم شده است روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه به زندان قرچک ورامین تبعید شد. شکیلا منفرد در حال حاضر در بند قرنطینه زندان قرچک ورامین به سر می‌برد. شکیلا منفرد به عنوان متهم ردیف اول پرونده از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مقدسات اسلام» به ۶ سال زندان و ۴ ماه کار اجباری در جهاد کشاورزی محکوم شده بود که این حکم از سوی شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران به ۴ سال و ۲ ماه زندان تبدیل شد.

فعالیت، حق خواهی، آزادی بیان و اعتراض حق مسلم انسانهاست که جمهوری اسلامی با تجاوز به مرزهای انسانی و تصرف آنها سعی در بقا خود دارد. ماهیت جمهوری اسلامی در تضاد با انسانیت و یک سمی خطرناک علیه بشریت است. زندانیان سیاسی باید فوری و بی قید و شرط از زندانیان آزاد شوند.

صبا کردافشاری

دست به اعتصاب غذا زد

صبا کردافشاری، زندانی سیاسی و از معترضین به حجاب اجباری از روز شنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه در اعتراض به افزایش فشارها بر خانواده خود و دیگر زندانیان سیاسی و با خواسته آزادی مادرش، راحله احمدی، یکی دیگر از معترضین به حجاب اجباری دست به اعتصاب غذا زد.

صبا کردافشاری پیشتر چندین بار دچار خونریزی معده شده و همین امر

موجب افزایش نگرانی خانواده وی نسبت به وضعیت سلامتی او شده است.

ما ضمن محکوم کرد جمهوری اسلامی به دلیل بیش از چهار دهه اعمال فشار و شکنجه بر روی زندانیان سیاسی و فعالین دربند و خانواده های آنها اعلام میکند مسئولیت مستقیم هر گونه خطر احتمالی برای صبا کرد افشاری فقط و فقط با جمهوری اسلامی است که سبب شده است نه تنها صبا کرد افشاری بلکه تعداد زیادی از زندانیان همین امروز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و محرومیت از حداقل امکانات انسانی، و به ظلم حاکم در زندانها در اعتصاب و خواست ما آزادی فوری و بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی همین امروز است!

حدیث صبوری فعال حقوق زنان

به مرخصی متصل به آزادی آمد

طبق اطلاعات منتشر شده حدیث صبوری برای درمان به مرخصی فرستاده شد. او چندین بار داخل زندان دچار حمله قلبی شده و با تلاش هم بندها و خانواده و درخواستها به اسکن قلبی و آنژیو اعزام شد. به خاطر فشارهای روحی نیاز جراحی اورژانسی قلب و فتر به علت بسته بودن رگها دارد همچنین جراحی دست به دلیل از بین رفتن عصب. طبق این گزارش زنان زیادی دچار بیماریهای جسمی و روحی در زندان هستند و نیاز به مرخصی دارند.

دامنه آزارهای خیابانی وسیع است

در ایران آمار دقیقی از میزان آزارهای خیابانی در دست نیست اما طبق مطالعات انجام شده در این زمینه:

مزاحمت توسط اتومبیل‌های شخصی ۹۲٪
-مزاحمت کلامی ۹۰٪
-مزاحمت لمسی ۷۵٪
-مزاحمت لمسی در وسایل نقلیه ۶۳٪

به ترتیب دارای بیشترین فراوانی هستند.

خشونت علیه زنان را پایان دهید
نه به آزار خیابانی نه به تبعیض.
خیابان امن حق من است
آزار خیابانی، خشونت در ملأ عام است

بر اساس آمارها بیش از ۸۰ درصد زنان در زندگی خود حداقل یک بار با آزار خیابانی مواجه شده‌اند اما در

قوانین جمهوری اسلامی، آزار خیابانی به طور مجزا جرم انگاری نشده و تصویری ناقص از آن ارائه داده است. به نقل از کانال شهر زنان شهر امن

خودسوزی یک شهروند زن در ارومیه

یک شهروند زن به نام "فاطمه علی‌پور اهل روستای "گانی‌ره ش" از توابع منطقه صومای برادوست ارومیه با اقدام به خودسوزی به زندگی خود پایان داد.

خودسوزی یک شهروند زن در شهرستان بوکان

روز پنج شنبه شانزدهم اردیبهشت‌ماه، یک شهروند زن به نام "ثوبه سیدعبدالله‌زاده" اهل روستای "حاجی‌لک" از توابع منطقه "چومی" مجیدخان "بوکان بر اثر شدت جراحات وارده ناشی از خودسوزی در یکی از بیمارستان‌های تبریز جان خود را از دست داد. یک دلیل از هزاران دلیل خواست ما مبنی بر اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون وضعیت زنان سازمان ملل

پریسا رفیعی فعال دانشجویی محبوس در اوین در پرونده جدیدی بدلیل نامه‌ای که درخصوص شرایط بازداشتگاه انفرادی و فشار برای انجام تست بکارت نوشته بود، به ۱۵ ماه حبس تعزیری محکوم شد. او از بابت پرونده قبلی خود به ۷ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده بود.

علاوه بر مصادیق آشکار خشونت سازماندهی شده علیه زنان از ابتدای عمر ننگین جمهوری زن ستیز اسلامی بسیاری از زنان تنها به دلیل اعتراض برای بدست آوردن ابتدایی ترین حقوق انسانی خود در زندانهای جمهوری اسلامی مکان خشونت علیه زنان و حتی تجاوز است محبوس اند. زنان در گروگان حکومت به طرز وحشیانه تری به صورت سیستماتیک و با اتهامات واهی مورد ستم قرار میگیرند. گاهی تنها به دلیل افشاکاری های این زنان آزادیخواه از شرایط مخوف زندانها، جمهوری اسلامی برای آنها پرونده سازی میکند.

بسیار هستند پریسا رفیعی ها و آتنا دانشی هایی که تنها به خاطر سر خم نکردن جلو خواسته های جمهوری اسلامی و ادامه مبارزه به حق خود علیه کلیت این نظام جنایتکار در بند این حکومت اسیرند و اوج جوانی خود را پشت میله های زندان سر میکنند.

این است ماهیت حکومت ضد زن اسلامی در ایران، این تنها یکی از هزاران دلیلی است که برای مخالفت با عضویت جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن وجود دارد، ما زنان در ایران اعلام میکنیم که به هیچ عنوان عضویت جمهوری اسلامی را قبول نداریم و لحظه ای دست از مبارزه برای به زیر کشیدن این حکومت متوحش، متحجر، جنایتکار و ضد زن بر نخواهیم داشت، ما خواستار اخراج جمهوری اسلامی از CSW و همه مراجع بین المللی هستیم.

بیانیه شصت نفر از کنشگران حقوق زن، خانواده های زندانیان سیاسی و دادخواه :

عضویت حکومت آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی در کمیسیون زنان سازمان ملل را محکوم میکنیم!

جمهوری اسلامی باید از مجامع بین المللی اخراج و بایکوت شود!

طالبان تروریست، کابل که بار دیگر به خون نشست!

سه انفجار پی در پی، مقابل مدرسه دخترانه و بیش از ۳۰ کشته و ۵۵ زخمی، در پی اقدامات تروریستی نیروهای اسلامی! مردم و به ویژه زنان مصیبت دیده افغانستان تا چقدر دیگر باید تحت ستم نیروهای مرتجع باشند؟! آن صلح که در افغانستان قرار است با وجود نیروهای جنایتکار اسلامی همچون طالبان، برقرار شود، چه چیزی را قرار است به ارمغان بیاورد جز خشونت و جنایت!؟

ما ضمن اعلام هبستگی با دانش آموزان، زنان، رنگین کمانیها، سکولارها و آتئیستها و بطور کل مردم آزادیخواه افغانستان، خواهان نابودی هر جریان اسلام سیاسی هستیم.*

از سایت کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران دیدن کنید

<http://www.iskraa.net>

ایسکرا
سایت کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
شعار: سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!